

بایدهای جغرافیای سیاسی ایران

نوشته دکتر هوشنگ طالع

پدیده عبارت است از: ایجاد اتحادیه‌های بزرگ از کشورهای هم فرهنگ در قاره‌ی اروپا و نیز آمریکای شمالی، هم سوئی و هم گرانی در جهان عرب، آمریکای جنوبی و کشورهای جنوب خاوری آسیا، هم آوانی در دو سوی اقیانوس کبیر و... بدین سان، جهان شاهد ظهور «اتحادیه‌ها» و «اتحادیه-کشور» های قاره‌ای یا قاره گونه است که خود نمودار جدیدی از قدرتهای اقتصادی- فرهنگی و در نتیجه نظامی می‌باشند.

آسایش در سایه همبستگی

در گیر و دار چنین دگرگونی ژرف و بنیادین، آیا توان آن را داریم که آینده را در همه‌ی ابعاد آن بشناسیم و در جهت حفظ موقعیت ملت خود، اقدام کنیم؟ در بخش بندی فرهنگی جهان، منطقه‌ی واقع میان فرهنگ‌های اروپائی، هندی، چینی، عرب و بازمانده عثمانی، سرزمین‌هایی قرار دارند که نه تنها از آنها متمایزند، بل بدلیل گذشته مشترک، حال و آینده‌ی آنان نیز از دیدگاه امنیت، اقتصاد، بازرگانی و فرهنگ، همبستگی ناگسستی با یکدیگر دارند. بدین سان، ایران و افغانستان، آذربایجان (اران)، ارمنستان، گرجستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و... آنچنان به یکدیگر وابسته‌اند که هیچ کدام جدا از دیگری در دنیای آینده، یعنی دنیای اتحادیه‌های قاره‌ای یا قاره گونه، قدرتی قابل توجه در متن حرکت جهانی نخواهند بود.^(۱)

در این میان باید توجه داشت که هم افغانستان و هم جمهوری‌های نوحاسته بر پهنه‌ی شوروی سابق، چه در آسیای میانه و چه در قفقاز (به جز گرجستان)، کشورهای بسته به حساب می‌آیند، یعنی به دریاها و آزاد دسترسی ندارند. البته به تعبیری دریای سیاه نیز، به عنوان دریای آزاد، شناخته نمی‌شود و در نتیجه گرجستان نیز دسترسی بدون دغدغه به دریای آزاد را ندارد.

از این رو، جمهوری‌های نوحاسته و هم چنین افغانستان، راهشان به سوی جهان و دریاها و آزاد، از خاک و آبهای ایران است: یعنی از دریای مازندران، خلیج فارس، دریای مکران به اقیانوس هند.

جمهوری‌های ایجاد شده بر پهنه‌ی قفقاز، از

سوی امپراتوری روسیه از ایران منتزع گردیده بود، ایجاد شده‌اند.^(۲)

جدول شماره یک پهنه و جمعیت جمهوری‌های نوحاسته در قفقاز و آسیای میانه را در سال ۱۹۹۴ نشان می‌دهد.

در اثر این تحول ژرف، ایران با حفظ موقعیت خود در زیر نظام منطقه‌ی خاورمیانه، گام به زیر نظام منطقه‌ای جدیدی گذارده است که شامل جمهوری‌های نوحاسته در آسیای میانه (خوارزم و فرارود) و قفقاز می‌باشد.



دکتر هوشنگ طالع

برخلاف زیر نظام منطقه‌ی خاورمیانه که به علت حضور کشورهای عمده‌ی عرب زبان و کشور-شهرهای جنوبی خلیج فارس، رنگ عربی دارد، زیر نظام منطقه‌ای نوین در پرتو پیوندهای دیرینه تاریخی، نژادی، قومی و فرهنگی با ملت ایران، دارای رنگ و بوی ایرانی است. بی‌گمان این امر، بیش از پیش بر اهمیت استراتژیک ایران، افزوده است.

این دگرگونی شگرف در منطقه، باید هائی را برابر ژئوپلیتیک ایران قرار می‌دهد. اگر این بایدها را در نیابیم و به وظایف خود در این زمینه عمل نکنیم، آینده‌ی نزدیک هم دیر خواهد بود. هم چنانچه در اثر ضعف و ناتوانی در سال ۱۹۱۷ نتوانستیم از تغییرات انجام شده بهره‌گیری کنیم، امروز هم ممکن است در اثر نشان دادن ضعف و یا قرار دادن کشور در شرایط غیر ضروری و ناخوش آیند از نظر سیاست خارجی، و از همه مهم‌تر عدم درک واقعیات و بایدهای تاریخ و جغرافیا، پایه‌های نیرومندی واقعی را از دست بدهیم. از سوی دیگر، هم‌زمان با فروپاشی شوروی سابق، یعنی آخرین امپراتوری باقی مانده از سده‌های گذشته، جهان با پدیده‌ی نوینی نیز روبروست. این

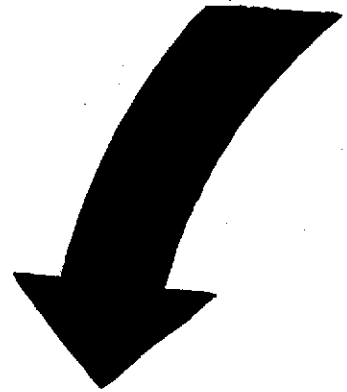
روز ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ (۳۰ آذرماه ۱۳۷۰)، یعنی ۷۴ سال پس از فروپاشی امپراتوری تزاری، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، نیز از هم پاشید. با فرود آوردن پرچم داس و چکش از فراز کرملین، ژئوپلیتیک (جغرافیای سیاسی) آسیا و اروپا، دستخوش تحول ژرفی شد.^(۱) بخش بزرگی از این تحول تاریخی در کنار مرزهای شمالی ایران به وقوع پیوست. در نتیجه، فرآیند آن بر ژئوپلیتیک منطقه و به ویژه ایران بسیار عمیق است.

با فروپاشی نظام شوروی سابق، پانزده جمهوری مستقل بر پهنه‌ی آن ایجاد شدند. از این تعداد، هفت جمهوری بر خاک اروپا و هشت جمهوری در خاک آسیا و در کنار یا مرتبط با مرزهای شمالی ایران، سربرآوردند.

جمهوری‌های ایجاد شده، بر پهنه‌ی شوروی سابق و پایتخت‌های آنها عبارتند از:

- ۱- استونی = تالین
- ۲- لیتوانی = ریگا
- ۳- لتونی = ویلیوس
- ۴- روسیه سفید = مینسک
- ۵- اوکراین = کی‌یف
- ۶- مولداوی = کیشین‌بو
- ۷- فدراسیون روسیه = مسکو
- ۸- گرجستان = تفلیس
- ۹- ارمنستان = ایروان
- ۱۰- آذربایجان «اران» = بادکوبه
- ۱۱- ترکمنستان = عشق‌آباد
- ۱۲- تاجیکستان = دوشنبه
- ۱۳- ازبکستان = تاشکند
- ۱۴- قرقیزستان = بیشکک (فرونزه‌ی سابق)
- ۱۵- قزاقستان = آلماتا (الماتی)

باید یادآور شد که هشت جمهوری نوحاسته آسیائی، یعنی جمهوری‌هایی که بر پهنه‌ی قفقاز و آسیای میانه، ایجاد شده‌اند، کما بیش بر پهنه‌ی سرزمین‌هایی که از سال ۱۱۹۲ (۱۸۱۲) تا سال ۱۲۶۰ خورشیدی (۱۸۸۱ میلادی)، یعنی عرض ۶۸ سال از



به مسایل زیر توجه کنیم:
 الف- از هم خناتمان
 کرد خود در هر کجای
 جهان که هستید، دفاع
 کنیم.
 ب- دشمنی میان
 گروههای متخاصم در
 افغانستان را به دوستی
 بدل کنیم.
 پ- کینه میان
 ارانی‌ها، ارمنی‌ها و
 گرجی‌ها را از میان
 برداریم.

در عصر ظهور اتحادیه‌ها و اتحادیه- کشورهای قاره‌ای، ضرورت همبستگی ایران، افغانستان و کشورهای آسیای میانه برای همه این کشورها جنبه حیاتی دارد

سونی در خطر بالقوه‌ی روس‌ها قرار دارند و از سوی دیگر همین خطر از سوی ترکیه نیز می‌تواند آنها را تهدید کند. آنان در همبستگی با سرزمین هم‌نژاد، هم فرهنگ و هم خناتمان دیرین خود یعنی ایران، می‌توانند بیامایند.

جمهوری‌های نوحاسته بر پهنه‌ی آسیای میانه نیز برای در امان ماندن از بازگشت دوباره استعمار روس، باید دری به جهان دیگر داشته باشند. (۲) این دروازه جز سرزمین هم خناتمان آنان، یعنی ایران نیست. استقلال، رشد اقتصادی، بهروزی و بالندگی سرزمین خوارزم و فرارود و نیز افغانستان برای ما، حیاتی است. پیوندهای ما چنان است که بهروزی هر کدام در گرو بهروزی دیگری است.

ت- آشتی ملی را در تاجیکستان برقرار کنیم.
 باید‌های ژئوپلیتیک ایران عبارتند از:

باید نخست: ایجاد اتحاد میان سه کشور فارسی زبان منطقه، افغانستان، تاجیکستان و ایران (۵) در میان اشکال طبیعی اتحاد در این منطقه، اتحاد سه کشور فارسی زبان تاجیکستان، افغانستان و ایران طبیعی‌ترین شکل آن است.
 باید دوم: ایجاد اتحاد با سه جمهوری نوحاسته بر پهنه‌ی بخشی از سرزمین قفقاز، مردمان قفقاز، پاره‌ای از نظر نژادی و خونی و گروهی از نظر فرهنگی و تاریخی با ما ریشه‌های مشترک دارند. از سوی دیگر

(کیلومتر مربع- هزار نفر- نفر در کیلومتر مربع)

جمهوری منطقه	پهنه	جمعیت	تراکم جمعیت	% رشد متوسط سالانه جمعیت (۱۹۸۰-۹۱)
گرجستان	۶۹۷۰۰	۵۶۶۰	۸۱/۲	۰/۷
ارمنستان	۲۹۸۰۰	۳۵۲۰	۱۱۸/۱	۰/۹
آذربایجان (اران)	۸۶۶۰۰	۷۵۱۰	۸۶/۷	۱/۴
قفقاز	۱۸۶۱۰۰	۱۶۶۹۰	۸۹/۷	
ترکمنستان	۴۸۸۱۰۰	۴۱۹۰	۸/۶	۲/۵
تاجیکستان	۱۴۳۱۰۰	۶۲۰۰	۴۳/۳	۳/۰
ازبکستان	۴۴۷۴۰۰	۲۲۹۸۰	۵۱/۴	۲/۴
قرقیزستان	۱۹۸۵۰۰	۴۸۵۰	۲۴/۴	۱/۹
قزاقستان	۲۷۱۷۳۰۰	۱۷۶۲۰	۶/۵	۱/۲
آسیای میانه	۳۵۹۱۴۰۰	۵۵۸۴۰	۱۵/۵	

جدول شماره یک

کما بیش بر پهنه‌ی سرزمین‌های خوارزم و فرارود تشکیل شده‌اند و با ما از نظر نژادی، خونی، فرهنگی و تاریخی دارای پیوندهای گسست‌ناپذیراند.
 بدین‌سان در منطقه جهان ایرانی، می‌توانیم شاهد ایجاد یک اتحادیه بزرگ و طبیعی از کشورهای افغانستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان (اران)، گرجستان، ارمنستان و ایران باشیم.
 این اتحادیه که در کنار قدرتهای بزرگ اقتصادی، سیاسی و انسانی آسیا-اروپا قرار دارد، می‌تواند زمینه‌ی همکاری با فدراسیون روسیه، چین و هندوستان را که در سه سوی این اتحادیه قرار دارند، فراهم آورد.

- پانویس‌ها:
- ۱- Geopolitik به مفهوم سیاست جغرافیایی و یا به معنای نقش عامل جغرافیا در مشی سیاست و سیاست خارجی نیز می‌باشد.
 - ۲- از قرارداد گلستان تا قرارداد آخال
 - ۳- ارفع‌زاده، مهرداد، کدام سیاست خارجی؟- پاریس- اردیبهشت ماه ۱۳۷۰
 - ۴- با بهروزی حزب کمونیست در انتخابات مجلس فدراسیون روسیه (دوما)، زمزمه‌های تجدید اتحاد جماهیر شوروی، رساتر شده است. اخیراً نیز دوما‌ی روسیه قانون لغای اتحاد جماهیر شوری سوسیالیستی را کان لم یکن اعلام کرد.
 - ۵- منکلت «آه» (افغانستان- تاجیکستان- ایران)- نوریخسن رحیم‌زاده

منبع‌ها:
 خشتاپاره، دکتر ه، تزارها و تزارها- انتشارات آرمانخواه- تهران اسفند ماه ۱۳۵۹
 محمود، محمود- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس دو قرن نوزدهم
 ارفع‌زاده، مهرداد- کدام سیاست خارجی؟ پاریس اردیبهشت ماه ۱۳۷۰
 رحیم‌زاده، نوریخسن- منکلت آنا- مجله وهرمین- شماره‌ی نهم- زمستان ۱۳۷۴

باید توجه کنیم که در نهایت، راه ایران به سوی اروپا، از قفقاز می‌گذرد. این محور از محور اسلامبول برای ما مطمئن‌تر است.

باید سوم: ایجاد اتحاد با چهار جمهوری دیگر آسیای میانه. این جمهوری‌ها هم چنانچه اشاره شد

با درک باید‌های ژئوپلیتیک ایران و بنیان‌گذاری سیاست همبستگی جهان ایرانی، می‌توانیم منافع خود و دیگر مردمان هم‌نژاد، هم خون و هم فرهنگ خود را برای سالهای آینده تضمین کنیم. در آغاز این راه با شناخت و درک باید‌های ژئوپلیتیک ایران، می‌بایست